

واکاوای صعودنکردن تیم ملی فوتبال ایران به مرحله حذفی جام جهانی در گفت‌وگوی «جوان» با جلال چراغپور



آسیب‌شناسی اصولی نکنیم ناکامی‌ها تمامی ندارد



حسین مهر و قله آسپسین

حذف تیم ملی فوتبال ایران از گردونه مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر اتفاق تلخی بود که باز هم این مسئله را یاد آوری کرد که فوتبال ایران با فوتبال حرفه‌ای دنیا فاصله زیادی دارد. بررسی دلایل حذف دوباره ایران از مرحله گروهی جام جهانی مسئله‌ای است که حالا مورد توجه کارشناسان قرار گرفته. آنچه در پی می‌آید ماحصل گفت‌وگو با جلال چراغپور، کارشناس فوتبال کشورمان در خصوص دلایل این اتفاق است.

امروز بعد از ثبت یک ناکامی دیگر در صعود به مرحله حذفی جام جهانی، ما دیگر نیاز به نظرات شخصی نداریم، بلکه نیاز به یک آسیب‌شناسی اجتماعی عمیق جامعه فوتبال داریم، اگر نمی‌خواهیم یار دیگر شاهد تکرار ناکامی‌های سریالی فوتبال ایران باشیم. «فوتبال ایران» نیازمند آسیب‌شناسی کمیته آموزشی فدراسیون فوتبال ایران امروز نیازمند یک آسیب‌شناسی کلی و عمیق است. آسیب‌شناسی کمیته آموزش فدراسیون، تمامی مدارس فوتبال، آکادمی‌های جوانان، نوجوانان، امیدی که ۴۸ سال است به المپیک نمی‌رود و تیم فوتبالی دارد که همچنان با دست خالی از مرحله گروهی جام جهانی بازمی‌گردد. اینکه یک کلمه بگوییم چهار امتیازی می‌خواستیم نشد،

قرار بود یک برد یا حداقل یک مساوی اضافه بیآوریم، یک امتیاز تا صعود فاصله داشتیم، چیزی را تغییر نمی‌دهد ما بتانسیل خوبی در این گونه حساب‌و‌کتاب‌ها داریم، اینکه بگوییم سه موقعیت برابر انگلیس خراب کردیم، دو تا هم نزدیک، این می‌شود پنج، اگر بیاورند درون دروازه بود و یک گل را هم می‌گرفت و شش گل نمی‌خوردیم با انگلیس ۵-۵ مساوی می‌کردیم، اما آیا این توهمات غیر علمی راه به جایی می‌بریم؟ بله، همه جوامع می‌گویند فوتبال به یک ایدئولوژی جهانی تبدیل شده است اما این حرف‌ها را بگذارید برای وقتی که ما هم توانستیم مشکلات خود را حل کنیم.

اول از همه باید ببینیم، واقعاً ببینیم تا زمانی که مشکلات آسیب‌شناسی کلاسیک و دانشگاهی نشود، تغییری در شرایط فوتبال ما ایجاد نمی‌شود. چهار سال دیگر بدتر از این می‌شویم، چهار سال بعد از آن صعود نمی‌کنیم، امیدهای‌مان هم همچنان در حسرت المپیک هستند، ما هم برای خودمان فوتبال بازی و برای خودمان نگاه می‌کنیم و البته حرف می‌زنیم؛ حرف‌هایی که نه کارشناسانه است و نه اصولی! اما اگر بود امروز اینجا نبودیم!

چند ماه قبل از جام جهانی هشدار داده شد میادا نخست، ما را به یاد بازی عربستان- روسیه و عربستان- آلمان ببیندازد! چقدر گریستند این ترکیب،



این تفکر، این آدم‌ها با این مربی، کمپلت یکجاشان پیر شده، خودشان، فکرشان، عضلاتشان پیر شده است. فوتبال ۱۰ سال، ۱۰ سال تعاریف جدید رو می‌کند. در همین ۱۰ سال عمر متوسط بازیکنان فوتبال یک مرتبه سه‌سال‌ونیم کم شده، یعنی از سن ۲۸/۵ یک مرتبه می‌رسد به ۲۵ و خودهای! رزمی که تا چهار سال آینده حتماً کمتر هم خواهد شد. این یعنی بازی و برای خودمان نگاه می‌کنیم و البته حرف می‌زنیم؛ حرف‌هایی که نه کارشناسانه است و نه اصولی! اما اگر بود امروز اینجا نبودیم!

بازده قبل از جام جهانی هشدار داده شد میادا نخست، ما را به یاد بازی عربستان- روسیه و عربستان- آلمان ببیندازد! چقدر گریستند این ترکیب،

جام جهانی را از دست دادیم، آینده را فراموش نکنیم

«جوان‌گرایی» راه نجات تیم ملی



چرا باید لقمه پیرترین تیم جام به ایران و تعلق بگیرد؟ چون پوست‌اندازی و فرصت دادن به بازیکنان جوان دل و جرت می‌خواهد، اما کی‌روش مقابل هر گونه تغییر رویه مقاومت می‌کند و تا مجبور نباشد دست به ترکیب قبلی نمی‌زند. جدا از چند لژیونر شاخص، بودند بازیکنان جوان تر و پتانگیزه تری که برای حضور در اردوهای تیم ملی می‌جنگیدند غافل از اینکه شاکله اصلی تیم از مدت‌ها قبل انتخاب شده بود



چند ماه قبل از جام جهانی هشدار داده شد مبادا بازی نخست، ما را به یاد بازی عربستان- روسیه و عربستان- آلمان ببیندازد! چقدر گفته شد این ترکیب، این تفکر، این آدم‌ها با این مربی، کمپلت یکجاشان پیر شده، خودشان، عضلاتشان پیر شده است

چه خبر است. هنوز هم نمی‌فهمیم! شش ماه دیگر متوجه می‌شویم در آسیا چه خبر است!

ما دیگر از طایفه جام جهانی نیستیم، ما امروز ششل جام جهانی را در آورده‌ایم. با این روندی که ما در پیش گرفته‌ایم، دیگر حتی حضور در جام جهانی هم برای‌مان رویا خواهد شد، حتی اگر سهمیه فوتبالی که استرالیا، ژاپن، کره و حتی عربستان که برای‌مان محلی از اعراب ندارند، بازی کردند... تازه یک دوچین تیم هم اوت شده و بیرون ماندند. عراق، امارات و ازبکستان که این دوره راه پیدا نکردند اما بیگار نشسته‌اند و در حال کار کردن و برنامه‌ریزی هستند.

اگر همین طور خودمان را به این راه و آن راه بزینم و قدمی برای آسیب‌شناسی و مداوای فوتبال کشورمان برنداریم، دیری نمی‌پاید که اتفاقات بدی را شاهد خواهیم بود و یکی از همین تیم‌ها که امروز تصورش را هم نمی‌کنیم، می‌گذارند بالای سر ما! یعنی زیر مجموعه تیم‌هایی چون عربستان و کره، آن وقت یاریبند درشتش کنید! آن وقت دیگر ما نخواهیم یا نه، جزو حریفان دسته ۲ آسیا محسوب می‌شویم!

موارد زیادی برای پرداختن وجود دارد. اینکه چرا به نیمه نرسیده حاج‌صفی چنان پایش می‌گیرد که نمی‌تواند تکان بخورد! یا سردار با چنان شرایطی مواجه می‌شود که او را تا زمان تعویضش زور در زمین نگه می‌دارند که همه آنهاپسی که اجازه حضورش در میدان را داده‌اند زیر سؤال نروند، اما امریکا با اینکه از لحاظ فنی حرفی برای گفتن ندارد، تا به صدا در آمدن سوت پایان می‌دود، بدون آنکه با هیچ مشکل بدنی مواجه شود. اینکه اگر شجاع خلیل‌زاده، مدافعی که هم شجاعت دفاع و هم جسارت حمله را دارد، می‌آمد به جای حاج‌صفی، سمت چپ بسته می‌شد؛ همان سستی که برای امریکایی‌ها اتوان شده بود اما پرداختن به این موارد، یعنی زوم شدن روی جزئیات و غافل شدن اصل ماجرا و این هیچ سودی برای فوتبال ما ندارد؛ درست مثل بچه‌ای که وقتی مادر از او می‌پرسد چرا دیر آمده‌ای، آسمان ریسمان به هم می‌بافت تا با فرافکنی و پرداختن به مسائل جزئی، مادر را از اصل ماجرا دیر آمدنش منحرف کند!

نگاه

به خودنیاییم، غربال فوتبال بیرون‌مان می‌اندازد

فریدون حسن
هر چند حضور در جام جهانی فوتبال و بین ۳۲ تیم منتخب دنیا یک افتخار بزرگ محسوب می‌شود اما نمی‌تواند مهر تأییدی بر پیشرفت سطح فوتبال کشورها باشد. تاریخ جام جهانی نشان می‌دهد بوده‌اند کشورهایی که یک یا چند دوره در جام حضور داشته‌اند اما در نهایت راه به جایی نبرده‌اند و محو شده‌اند. فوتبال جای آنهایی که می‌خواهند در جا بزنند نیست و در غربال خود آنها را که می‌خواهند ریز باقی بمانند، بیرون می‌ریزد.

فوتبال ایران با سابقه شش دور حضور در جام جهانی یکی از این نمونه‌هاست که هیچ پیشرفتی نگرده و همچنان در حسرت صعود از مرحله گروهی باقی مانده و این در حالی است که کشوری چون سنگال با سابقه سه دوره حضور در جام جهانی دو بار تجربه صعود به مراحل بالاتر را دارد یا دیگر کشورهای آسیایی حاضر در جام جهانی که هر کدام حداقل یک بار این تجربه را داشته‌اند حتی کره‌شمالی!

از سال ۱۹۷۸ (آرژانتین) تا همین ۲۰۲۲ (قطر) نتایج تیم ملی تکرار مکررات است؛ برده، مساوی و باخت و بعد حذف، یعنی هیچ، یعنی درس نگرفتن از شکست و در جازدن، باید اذعان کنیم خوش شانس هستیم که می‌توانیم با توجه به ضعف مفرط حاکم بر فوتبال آسیا و اختلاف سطح موجود در آن به جام جهانی صعود کنیم، تازه اگر فیفا طرح افزایش تیم‌های جام جهانی را اجرا کند که اصلاً دیگر زحمت صعود را هم نخواهیم کشید، اما مهم این است که در جام جهانی چه عملکردی از خودمان نشان می‌دهیم. فوتبال ایران در جام جهانی دلخوش به جرفه‌است، درست مانند پیروزی مقابل امریکا در ۹۸ فرانسه یا برتری با گل به خودی مراکش در جام جهانی روسیه یا تک‌بازی خوب مقابل ولز. در بقیه لحظات و بازی‌ها تقریباً هیچ چیزی برای ارائه وجود نداشته است و این یعنی در جازدن، یعنی باختن و چیزی برای ارائه نداشتن. غربال فوتبال چنین تیم‌هایی را بیرون می‌اندازد و فوتبال ایران اگر می‌خواهد همچنان در این غربال حضور داشته باشد، باید تغییراتی اساسی در خود ایجاد کند. دلخوش بودن به صرف حضور در جام جهانی به عنوان بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی جهان و در جازدن و پیشرفت نکردن با این شعار که در بین ۳۲ تیم حضور داریم، یعنی یک شکست نابودی تدریجی که گویا نمی‌خواهیم آن را ببینیم. فوتبال ایران امروز در رؤیای بازی و خوابی به سر می‌برد که ادامه آن نیستی و نابودی خواهد بود. فوتبال ایران امروز از حضور در جام جهانی به عنوان یک پیروزی یاد می‌کند و در حالی که دیگران برای مراحل بعدی برنامه‌ریزی می‌کنند، ایران خودش را با جا مانده‌های جام مقایسه می‌کند که بله ما اینجا هستیم اما مثلاً ایتالیا نیست، پس ما برتر از ایتالیا هستیم. همین نگاه مضحک است کافی برای در جازدن و پیشرفت نکردن، همین نگاه کافی است که فوتبال بیرون‌مان کند، درست مثل تیم‌های دوره گذشته و اگر این نگاه ادامه داشته باشد، دیگر حتی در جام جهانی هم جایی نخواهیم داشت.

رویکرد



«مغرب» الگوی مناسب برای فوتبال ایران

حامد قهرمانی
در روزهایی که آثار و درد شلاق شکست و حذف دوباره در مرحله گروهی جام جهانی همچنان بر پیکر فوتبال ایران دیده و احساس می‌شود، تماشاچای قدرت‌نمایی و تلاش تیم‌هایی که فوتبال‌شان را خیلی دیرتر از ایران شروع کرده‌اند اما با برنامه‌ریزی و کار اصولی به مدارج بالا رسیده‌اند، می‌تواند یک درس آموزنده برای ما باشد.

این قدیم گفته‌اند «نیاکو نکردن از پر کردن است». این ضرب‌المثل فارسی را دیگران خوب گرفته و با عملی کردن آن راه پیشرفت فوتبال را برای خود هموار کرده‌اند اما فقط آن را به صورت شعار فریاد می‌زنیم. از آسیا شروع کنیم، تیم‌هایی چون ژاپن و کره جنوبی مدت‌هاست سفره خود را از قاره کهن جدا کرده‌اند و در جام جهانی حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. حالا استرالیا هم به آنها اضافه شده که از اول هم فوتبالی فراتر از آسیا داشت. در این میان نباید از بازی خوب تیم‌هایی چون عربستان و حتی قطر که زود هم حذف شدند، به سادگی گذشت که این خود نشانه پیشرفت آنهاست؛ پیشرفتی که حتماً در سال‌های آینده بیشتر دیده می‌شود.

اما آفریقا تیم‌هایی که همیشه مدعی هستند و با فوتبال خاص خودشان می‌آیند نشان دهند چیزی از اروپایی‌ها و امریکایی‌ها کم ندارند، سنغال، کامرون و غنا که بگذریم، آفریقا در جام جهانی یک شگفتی رو می‌کند. قطر ۲۰۲۲ نوبت تاریخ‌سازی مراکش‌ها بود، مراکش‌ای که تا یک چهارم نهایه بالا آمد. بلژیک مدعی ار شکست داد، کراسوا را متوقف و کنادای مغرور را تحقیر کرد تا به عنوان صدرنشین صعود کند، بعد هم اسپانیا را برد. اینکه چگونه این تیم‌ها می‌توانند تا این حد پیشرفت کنند و به این مدارج برسند، می‌تواند برای فوتبال ایران درس باشد. اینکه آنها اصولی کار می‌کنند، شعار نمی‌دهند و فوتبال‌شان دست در جیب مردم‌شان ندارد، بزرگ‌ترین مؤلفه‌های موفقیت‌شان به شمار می‌رود؛ مؤلفه‌هایی که فوتبال ایران از آن بی‌بهره بوده و است تا جایی که بعد از شش بار حضور در جام جهانی هنوز حسرت صعود کشورهایی چون مراکش برای ارتقای فوتبال‌شان طی کرده‌اند، طی کنیم، باید آن را با خود به گور ببریم.

داشتیم، انقدر همه از این شرایط مشغوف بودیم که یادمان رفت از کی‌روش خواهیم دست از ترس بردارد و مقابل امریکا تیم را همچون سبزی با ولز هجومی به میدان فرستد. دفاع از ابتدای بازی همه چیز را به سود امریکا تمام کرد. حرف از تاکتیک او رفته ما استفاده کرد و با یک گل رؤیای‌مان را به باد داد. باید قبول کنیم عامل شکست خودمان بودیم. به جای آنکه به پیروزی فکر کنیم، به تساوی قانع بودیم. حذف ناباورانه درس عبرتی داد به همه مربیان ترسو.

فرصت‌سوزی نکنیم
شکست خوردیم و این را نمی‌توانیم کتمان کنیم. شاید کی‌روش خیلی از نتایج ناراحت نباشد و دستیارش روی بدشانسی تأکید کند اما این تیم ماست و نباید با این حرف‌ها آینده آن را به خطر انداخت. در جام جهانی که به جایی نرسیدیم، لااقل جام‌ملت‌ها را از دست

ندھیم و برایش برنامه داشته باشیم. سه تیم آسیایی به دور دوم جام صعود گردند و همان‌ها رقیبان ما در آسیا خواهند بود. تا کی قرار است با شیوه‌های منسوخ به کارمان ادامه و وفده قهرمانی آسیا به مردم بدھیم؟ تا وقتی تیم‌ملی پوست‌اندازی نکند و سه بازیکنان مستعد و جوان اعتماد نشود، اوضاع تغییری نخواهد کرد. شاید سطح لیگ ما قابل مقایسه با لیگ‌های اروپایی نباشد، ولی قطعاً در همین لیگ نیز هستند گزینه‌هایی که بهتر از بازیکنان پا به سن گذاشته شاعل در تیم‌های درجه‌چندم خارجی بازی کنند. با اندازه کافی به باتجر به‌ها فرصت داده شده و بسیاری پشت خط همین بازیکنان مانده‌اند. باید زودتر از اینها دست به جوان‌گرایی می‌زدیم. با اینکه زمان زیادی از دست داده‌ایم اما باید ایندنگری را در دستور کار قرار دهیم و به جام جهانی‌های آتی فکر کنیم؛ کاری که ژاپن و خیلی‌های دیگر انجام دادند و نتیجه مثبتش را نیز گرفتند.